

بررسی فقهی مفطریّت کذب و وجوب کفاره ابطال روزه از طریق آن

ابوالفضل زارعی*

چکیده

یکی از اسبابی که در میان مباحث باب «ما یمسک عنه الصائم»، موجب باطل شدن عنوان فقهی «صوم» می‌شود؛ مسئله باطل شدن روزه از طریق دروغ بستن به خداوند، پیامبران و اهل بیت علیهم‌السلام است. بررسی‌ها نشان می‌دهد آنچه که در این مسئله فقهی، تأثیرگذار و محوری است؛ دستیابی به تعریفی درست از صدق و کذب در فقه است که مقدمه آن، بررسی ماهیت کذب و انواع آن خواهد بود. در این میان وجود دیدگاه‌های مختلف در تعریف کذب، دشواری رسیدن به پاسخی صحیح و جامع را دوچندان کرده است. این مقاله درصدد است با کشف ماهیت فقهی کذب، به بررسی اقوال و ادله متعدد درباره مفطریّت کذب و همچنین وجوب کفاره ابطال روزه از طریق آن بپردازد.

واژگان کلیدی:

کذب، دروغ بستن، مبطلات روزه، مفطرات، وجوب کفاره

* طلبه پایه پنجم مدرسه شهیدین (ره)، تاریخ نگارش مقاله: زمستان ۱۳۹۷



مقدمه

بی تردید یکی از سؤالات بنیادین بشر، چگونگی دستیابی به معرفت صحیح بوده و تلاش‌های فردی و گروهی انسان‌ها درباره بررسی ماهوی صدق و کذب، نمودی از این واقعیت است. باید توجه داشت که اگر صدق و راستی به درستی تعریف نشود، همانند کج نهادن نخستین آجر، خانه معرفت بشری نیز به تدریج منحرف و ناپایدار می‌گردد. همچنین از آن‌جا که پسندیدگی صدق و راستگویی مورد تأکید همه ادیان الهی بلکه همه فرهنگ‌های بشری است، بررسی مشخصات ماهوی آن نقش مهمی در تعاملات اجتماعی دارد. به عبارت دیگر پیش از آن‌که ماهیت صدق و کذب به عنوان موضوعی فقهی بررسی شود، به عنوان گم‌شده‌ای مهم و ارزشمند در جوامع بشری مورد توجه بوده است.

خلاصه آن‌که پاسخ علمی و متقن به مسئله توصیف و ارزشیابی صدق و کذب، یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها در طول تاریخ بشری است. چرا که رسیدن به حقیقت جز از راه دستیابی به گزاره‌هایی صحیح و پی‌بردن به آن‌چه راست و درست است، ممکن نبوده و نیست. در نتیجه از دیرباز مسئله صدق و کذب و همچنین تعیین مختصات آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است.

در این مقاله سعی شده با روشمندی علمی، بعد از بیان مفاهیم و کلیات در بخش اول، بررسی ماهوی صدق و کذب و بیان آراء متعدد اندیشمندان درباره آن مورد توجه قرار گیرد. آن‌چه می‌تواند این نوشتار را از دیگر مقالات علمی متمایز سازد، گردآوری نظرات گوناگون و دستیابی به تعریفی صحیح از کذب به عنوان یک موضوع فقهی است. به عبارت دیگر آن‌چه بعد از بررسی‌های عمیق و پژوهش‌های گسترده فقهی درباره مفطرت و همچنین وجوب کفاره ابطال روزه از طریق کذب بر خدا، پیامبر ﷺ و ائمه اطهار  به دست می‌آید، ما را به کمبودی عمده و چشمگیر در زمینه طرح روشمند، منظم و علمی مباحث مختلف فقهی رهنمون می‌سازد.

همچنین آنچه بعد از کاوش‌های علمی درباره ماهیت فقهی کذب در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، باطل شدن روزه در پی دروغ بستن به خداوند، پیامبران و اهل بیت علیهم‌السلام است. به تعبیر بهتر آنچه در این مقاله مورد کاوش و دقت نظر فقهی قرار گرفته است، مسئله مبطلیّت یا مفطریّت کذب در عنوان فقهی «صوم» است و آنچه علی‌رغم اتفاق نظر درباره اصل حرمت کذب، اختلافی است؛ تلازم حرمت آن با فساد روزه است.

با بررسی اقوال و ادله فقها می‌توان به دو دسته نظر در این‌باره رسید که بحث فقهی آن به صورت مبسوط، در بخش دوم این مقاله آورده شده است. در بررسی‌های فقهی سعی شده تا اقوال و ادله فقهای متقدم به همراه آراء فقهای متأخر مورد دقت نظر قرار گیرد. ناگفته نماند که توان نویسنده، رسالت این مقاله و همچنین گستردگی و زیربنایی بودن مباحث رجالی، مجالی برای ورود به بحث‌های گسترده و پیچیده سندی روایات مورد بحث را نداده است. بخش سوم نیز با محوریت اقوال و ادله وجوب کفاره باطل کردن روزه از طریق کذب به رشته تحریر درآمده است.

تا آن‌جا که بررسی‌های راقم این نوشتار نشان می‌دهد، علی‌رغم این‌که در علوم مختلف و کتب گوناگون فقهی، اظهارنظرهایی درباره صدق و کذب دیده می‌شود، به شکل منسجم و همچنین به صورت خاص درباره بررسی فقهی مفطریّت «کذب علی الله و الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و الائمه علیهم‌السلام» تحقیقی مستقل و با ادبیات امروزی یافت نشده است. شایان ذکر آن‌که مقالاتی درباره ملاک صدق و کذب همچون مقاله «اصل صداقت در قرآن و تحلیل موارد جواز کذب» نوشته جناب آقای جواد ایروانی، مقاله «جمله‌های خبری و بررسی صدق و کذب آن در زبان و ادبیات» نوشته جناب آقای عبدالله رادمرد و همچنین مقاله «سنجش صدق و کذب خبر در گزاره‌های ادبی» نوشته جناب آقای اسماعیل شفق مورد توجه نویسنده قرار گرفته و به مناسبت‌های گوناگون به آنان ارجاع داده شده است. امید آن‌که این نوشتار کوتاه علی‌رغم نواقص احتمالی و



کامبودهای فراوان، مورد توجه فرهیختگان این حوزه قرار گیرد.

۱. بررسی ماهوی کذب و انواع آن

همانطور که در مقدمه بدان اشاره شد، مسئله صدق و کذب از دیرباز یکی از موضوعات مورد توجه در جوامع بشری بوده و از آنجا که راستگویی در همه ادیان پسندیده دانسته شده، می‌توان ادعا کرد که در زشتی و قبح دروغگویی در فرهنگ‌های دینی - البته بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های دیگر - تردیدی وجود ندارد.

در نتیجه طبیعی است تا درباره ماهیت و تعریف صدق و کذب، بحث‌های متعددی مطرح شده و از ابعاد گوناگون و در رشته‌های مختلف علمی از آن صحبت به میان آمده باشد. توضیح آن‌که علمای رشته‌های مختلف علمی در مسئله صدق و کذب نظراتی ابراز داشته و تعریف‌هایی از کذب در مقابل صدق ارائه داده‌اند. در میان اهل منطق نخستین تعریف درباره صدق را می‌توان از خلال سخنان افلاطون در رساله «سوفیست» مشاهده کرد؛ هر چند که از شیوایی و رسمیت چندانی هم برخوردار نیست.^۲

بعد از افلاطون، اقوال ارسطو پیرامون صدق و کذب از وضوح و شفافیت بیشتری برخوردار است. در نظر وی «موجود، نیست» [یعنی موجود، وجود ندارد] و «ناموجود، هست» [یعنی ناموجود، وجود دارد] گزاره‌هایی کاذب و قضایای «موجود، هست» و «ناموجود، نیست» گزاره‌هایی عین صدق می‌باشند. در نتیجه اگر در گفته‌های ارسطو دقت شود، فهمیده می‌شود که ملاک اصلی وی در سنجش صدق و کذب قضایا، «مطابقت موضوع با محمول» بوده است.^۳

از دنیای فلسفه قبل از اسلام، بیش از آنچه ارائه شد، نظراتی درباره معیار صدق و

۲. افلاطون، دوره آثار افلاطون، ج ۳، ص ۱۵۰۸

۳. ارسطو، متافیزیک، ص ۱۱۹

کذب، اخباری در دست نیست. اما پس از اسلام، به دلیل گستردگی حکمرانی خلفای بنی‌امیه و وسعت بیشتر قلمرو در عهد بنی‌عباس، توسعه شهرنشینی و تضارب آراء و افکار و اندیشه‌های مختلف از سراسر بلاد اسلامی و پیدایش فرق و نحله‌های فکری و کلامی گوناگون از قبیل اشاعره، معتزله، خوارج، مرجئه و...، بررسی افکار و دیدگاه‌های کلامی و عقیدتی با دقت و حساسیت بیشتری انجام می‌گرفت.^۴

در میان فلاسفه نیز تا قرن چهارم هجری الکندی و فارابی اگر چه به صورت مجزا و صریح متعرض این مسئله نشده‌اند، ولی از مجموع سخنانشان می‌توان پی‌برد که شرط اصلی صدق و کذب را مطابقت گزاره‌ها با واقعیت خارجی می‌دانسته‌اند. همچنان که الکندی، فلسفه را علم به حقیقت اشیاء می‌دانست.^۵ فارابی نیز همانطور که پیرامون یقین در کتاب *المنطقیات* خویش آورده، آن را عدم ضدیت با واقع می‌داند. یعنی این واقعیت خارجی است که ملاک صدق و یقین است.^۶ ابن سینا نیز درباره ملاک صادق یا کاذب بودن قضایا، شرط تحقق صادق بودن کلام را مطابقت حکم با واقعیت معنا کرده است. چرا که صدق گزاره‌ای مثل «علی عادل» را به مطابقت مضمون کلام با عالم خارج حواله می‌دهد.^۷

در میان علمای علم بلاغت نیز در مسئله اختلاف نظرهایی به چشم می‌خورد. تفتازانی در کتاب *مختصرالمعانی*، صدق را «مطابقت با واقع» و کذب را «عدم مطابقت با واقع» تعریف می‌کند.^۸ این در حالی است که نظام، ملاک صدق را مطابقت خبر با

۴. اسماعیل شفق، *سنجش صدق و کذب خبر در گزاره‌های ادبی*، ص ۹۱

۵. حنا الفاخوری، *تاریخ فلسفه در جهان اسلام*، ج ۲، ص ۳۷۶

۶. فارابی، *المنطقیات للفارابی*، ج ۱، ص ۳۵

۷. ابن سینا، *المنطق المشرقیین*، ص ۶۱

۸. تفتازانی، *مختصرالمعانی*، ص ۱۷ و ۱۸



اعتقاد گوینده می‌داند.^۹ جاحظ ادیب معتزلی نیز با پذیرش هر دو معیار، ملاک صدق را مطابقت با واقع و اعتقاد گوینده تعریف کرده و کذب را مخالفت با هر دوی آنها می‌داند. در نتیجه بین صدق و کذب حالتی میانه را به رسمیت شناخته و جملاتی را که مطابق اعتقاد گوینده هستند ولی مطابقت با واقع ندارند یا برعکس، مطابقت با واقع دارند ولی با اعتقاد گوینده تطابق ندارند، گزاره‌هایی نه صادق و نه کاذب می‌داند.^{۱۰}

مسئله صدق و کذب در علوم فقه و اصول نیز به صورت گسترده مورد بحث قرار گرفته است. به طور مثال فقهاء به مناسبت عنوان فقهی «صوم» و همچنین «مکاسب محرّمه» در راستای حکم به صحت روزه، درباره کذب به عنوان یکی از مفطرات روزه سخن گفته‌اند و نظرشان را درباره تعاریف صدق و کذب، معیار صادق یا کاذب بودن گزاره‌ها و همچنین درآمدهای حرامی که به وسیله دروغگویی به دست می‌آید، ابراز کرده‌اند.

از میان علمای علم اصول نیز میرزای قمی در *قوانین الأصول*، ملاک صادق یا کاذب بودن قضایای خبری را مطابقت ظاهر کلام با واقع عنوان کرده و معتقد است معیار صدق و کذب، مطابقت مقصود کلام با واقع نیست. پس اگر کسی بگوید کبوتری را دیدم در حالی که مقصود او از کبوتر، گنجشک بوده و در واقع هم گنجشک را دیده، کلام او کاذب است.^{۱۱} اما مرحوم آشتیانی در *کتاب القضاء* این نظر محقق قمی را رد کرده و معیار سنجش صدق و کذب را مطابقت مراد متکلم با واقع قرار داده است. این در حالی است که سید مصطفی خمینی در *کتاب الصوم*، ملاک صادق یا کاذب بودن کلام را مطابقت آن با خارج به همراه علم به آن قرار داده و این

۹. محمدخلیل رجایی، *معالم البلاغه*، ص ۲۵ و ۲۶

۱۰. عبدالله رادمرد، *جمله‌های خبری و بررسی صدق و کذب آن در زبان و ادبیات*، ص ۱۱۴

۱۱. میرزای قمی، *القوانین المحکمه فی الأصول*، ج ۲، ص ۳۴۳

برداشت را نیز به قول برخی از اهل لغت استناد داده است. حاصل آن‌که اگر کسی سخنی بگوید که نسبت به آن علم و آگاهی ندارد، دروغ گفته است. در نتیجه سخن چنین شخصی هرچند مطابق با واقع است اما کاذب محسوب می‌شود، چون از نظر لغوی، کذب بر آن صدق می‌کند.^{۱۲}

برخی محققان این نظریه را رد کرده و با توجه به تفاوت معنایی میان خطاکار و کاذب در فهم عرفی و همچنین ضدیت کذب با صدق، معیار را همان مطابقت کلام با واقع گرفته‌اند و علم و آگاهی متکلم به مضمون کلام را در آن دخالت نمی‌دهند. ثمرات این مباحث فقهی در جواز توریه آشکار می‌شود. چون طبق نظر مشهور فقهای امامیه با توجه به این‌که در سخن کاذب، مقصود متکلم با واقعیت منطبق نیست، توریه مصداق دروغ نیست. علت این‌که متکلم در توریه، در مقام پنهان کردن واقع از شنونده است و طوری سخن می‌گوید که مراد از آن، معنایی غیر از مفهوم ظاهری آن کلام باشد. به تعبیر دیگر گوینده آن‌چه مطابق با واقع است را قصد می‌کند ولی شنونده غیر از آن‌چه متکلم قصد کرده است را برداشت می‌کند.^{۱۳}

برای روشن شدن ماهیت کذب در مباحث فقهی باید به این نکته توجه کرد که کذب خود به دو نوع «خبری» و «مخبری» تقسیم می‌شود. کذب خبری یا «عدم مطابقت خبر با واقع» همان تعریفی از کذب است که در آراء منطقی‌ها و فلاسفه و همچنین تعاریف آنان از صدق و کذب به چشم می‌خورد. به عبارت بهتر از آن‌جا که موضوع علم منطوق، تعریف یا استدلال است، این علم اساساً با چیزی جزء موضوع و محمول و شبه آن تعاملی ندارد و در نتیجه تنها ملاک در کذب را مطابقت خبر یا محمول با واقع معرفی می‌کند. در حالی که این تعریف، همه مصادیق کذب را در بر نمی‌گیرد. به عنوان مثال اگر در تعریف کذب تنها به تعریف منطقی آن بسنده کنیم،

۱۲. سیدمصطفی خمینی، کتاب الصوم، ص ۳۵۲

۱۳. جعفر سبحانی، الرسائل الأربع، ج ۴، ص ۸۱



نمی‌توانیم دروغگو دانستن منافقین در نخستین آیه سوره منافقین را از مصادیق کذب بدانیم. توضیح آن که خدای متعال در این آیه در حالی منافقین را کاذب معرفی می‌کند که بر اساس شأن نزول آیات، هنگامی که آن‌ها پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را می‌دیدند، شهادت می‌دادند که «همانا تو رسول خدا هستی!» ولی در ادامه خدای متعال می‌فرماید:

«وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ»^{۱۴}

بی‌شک در این آیه، کذب به معنای منطقی‌اش مورد نظر نبوده و نیست. چرا که بی‌تردید خبر منافقان مدینه مبنی بر پیامبری رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مطابق با واقع بوده است. پس تنها چیزی که منافقین در بیان آن راستگو نبودند، این بود که آنان به خبری که می‌دادند اعتقاد نداشتند. در واقع آنان داشتند به خبری مطابق با واقع اذعان می‌کردند در حالی که یا به آن خبر باور نداشتند یا خلاف آن را در دل پنهان کرده بودند.

اینجاست که با توجه به آمیختگی، تنیدگی و همزادی تاریخ علم بلاغت و نزول قرآن کریم، می‌توان به ریشه توجه بیشتر بلاغیون به نوع دوم کذب یعنی «کذب مخبری» پی برد. کذب مخبری یعنی «عدم مطابقت معنای اراده شده با آنچه دانسته شده». توضیح بیشتر آن که متکلم وقتی خلاف آنچه از واقع دانسته را خبر می‌دهد، کاذب است ولو اینکه خبرش مطابق با واقع باشد. به تعبیر بهتر اگر فکر کند گزاره‌ای مطابق با واقع است ولی خلاف آن را خبر بدهد یا حتی بلافاصله بعد از اخبارش، آشکار شود که واقعیت برعکس آن چیزی بود که فکر می‌کرد و در واقع کلام‌اش مطابق با واقع بود، به دلیل این که ملاک در «کذب مخبری»، معنای اراده شده است و نه ظاهر کلام، می‌توان او را متصف به کذب نمود و کاذب دانست.^{۱۵}

در مجموع با نظر به این که مباحث علم فقه با محوریت «فعل مکلف» یا «افعال

۱۴. المنافقون: ۶۳ «إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ»

۱۵. محمد حسین زاده، مؤلفه‌ها و ساختارهای معرفت بشری، ص ۴۶۴



اختیاری انسان» شکل گرفته است، طبیعتاً آنچه درباره کذب و عوارض ناشی از آن در مباحث فقهی مطرح می‌گردد، بر اساس همان تعریفی است که از «کذب مخبری» بیان شد؛ زیرا آن چه می‌تواند متعلق تکلیف مکلف قرار بگیرد، «وجوب تطابق معنای اراده شده با آن چه دانسته شده است» می‌باشد نه لزوم تطابق خبر با واقع. چرا که ممکن است هنگام بیان الفاظ، از مکلف اشتباه یا خطایی سر بزند و یا عمدی در اخبار خلاف واقع در کار نباشد. یعنی ممکن است مکلف هر آن چه را که می‌پنداشته مطابق با واقع است، بیان کرده باشد ولی بعداً بی‌آنکه عمدی در میان باشد، عدم مطابقت خبرش با واقع آشکار شود. به عبارت بهتر چه بسا مکلفی بدون علم و عمد، به تطابق با واقع داشتن چیزی که با واقع مطابقت ندارد، علم یا اطمینان داشته باشد و از آن خبر دهد حال آنکه بعداً خلاف آن ثابت شود. در این حالت، تنها می‌توان مکلف را مرتکب «خطا» دانست و نه «کذب» چرا که در کذب فقهی، همواره عمد شرط است.^{۱۶}

همچنین اگر مکلف بدون اینکه به چیزی علم پیدا کند از آن خبر دهد، متهم به دروغگویی می‌شود زیرا با این که علم به درستی آن چه خبر داد نداشت، با بیان قطعی آن خبر، ادعای آگاهی نسبت به درستی آن خبر را ابراز کرده است. در واقع متکلم با بیان قطعی خبر و با ابراز یک نسبت قطعی، خلاف آن چه می‌داند را اراده کرده و این مطابق تعریف، همان «کذب مخبری» است. توضیح بیشتر آن که در «قول بغیر علم» با توجه به آن که متکلم نسبت به درستی خبر علم و آگاهی ندارد ولی با بیان قطعی خبر، صحت آن را ادعا می‌کند، کذب مخبری صادق است؛ زیرا با تعریف آن یعنی «عدم مطابقت معنای اراده شده با آن چه دانسته شده» مطابقت دارد.^{۱۷}

همچنین بنابر تصریح متقدمین و متأخرین از فقهاء، کذب تقیه‌ای قطعاً روزه را

۱۶. مرتضی انصاری، کتاب الصوم، ص ۷۴

۱۷. سیدمصطفی خمینی، کتاب الصوم، ص ۳۴۸



باطل نمی کند و در بحث مفطرت کذب مطرح نمی شود چرا که موضوع مفطرت کذب، کذب حرام است. در نتیجه می توان حکم گفته شده را بدین وسیله تقویت کرد که اساساً ماهیت کذب در باب «ما یمسک عنه الصائم»، همان کذب مخبری است. باید توجه داشت که مطابق با تعریفی که از کذب مخبری یعنی «عدم مطابقت معنای اراده شده با آنچه از سوی متکلم دانسته شده» ارائه دادیم، کذب تقیه‌ای با این که می تواند مصداق «کذب خبری» باشد ولی با توجه به عدم مطابقت مرحله تصدیق اولی با مرحله تصدیق دومی، نمی توان به متکلم نسبت کذب مخبری داد.^{۱۸}

۲. بررسی فقهی مفطرت کذب علی الله و الرسول ﷺ و الأئمة ﷺ:

همانطور که در مقدمه بدان اشاره شد، در این بخش می خواهیم با توجه به تعریفی که از کذب فقهی مطرح شد، مسئله مفطرت کذب بر خدا، پیامبر اکرم ﷺ، ائمه ﷺ، حضرت زهرا ﷺ و دیگر انبیاء ﷺ را مورد بررسی قرار دهیم. به عبارت دیگر در این بخش با توجه به اختلاف نظرها در باطل شدن یا نشدن روزه از طریق دروغ بستن به خدا، پیامبران و اهل بیت ﷺ، اقوال و ادله هر کدام را مطرح کرده و در حد وسع به بررسی فقهی هریک می پردازیم.

۱-۲. کذب علی الله و الرسول ﷺ

آن چه در ابتدا مورد بحث و بررسی قرار می گیرد، «کذب علی الله و الرسول ﷺ» است که خود در دو بخش اقوال و ادله مطرح خواهد شد. لازم به ذکر است که وجه تفکیک و تقدم «کذب علی الله و الرسول ﷺ» بر «کذب علی الأئمة و الانبیاء ﷺ» ذکر شدن عنوان «علی الله و الرسول ﷺ» در همه اخبار دلالت کننده بر مفطرت «کذب علی الأئمة و الانبیاء ﷺ» می باشد. به عبارت دیگر همه ادله عنوان دوم یعنی



«کذب علی الائمه و الانبیاء علیهم السلام» به نوعی ادله مفطریّت «کذب علی الله و الرسول صلی الله علیه و آله» نیز به شمار می آیند.

۲-۱-۱. اقوال

همانطور که چندین بار بدان اشاره شد، درباره مفطریّت یا مبطل بودن کذب بر خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام وحدت نظر وجود ندارد بلکه تنها چیزی که مورد اتفاق همگان است، عدم افساد انواع دیگر کذب است. یعنی در این که دروغ بستن به غیر خداوند، پیامبران و اهل بیت علیهم السلام روزه را باطل نمی کند، میان همه فقهای امامیه اجماع قطعی وجود دارد. البته باید توجه داشت که در این حالت نیز حرمت دروغ گفتن یا برجاست و کاذب با این که مرتکب فعل حرامی شده است، دروغ گفتنش موجب باطل شدن و وجوب قضاء روزه نمی گردد. آنچه در میان آراء متقدمین درباره مفطریّت «کذب علی الله و الرسول صلی الله علیه و آله» به چشم می خورد دو دسته نظر است:

○ دسته اول فقهاء که قائل به مفطریّت «کذب علی الله و الرسول صلی الله علیه و آله»

هستند همانند شیخ مفید در مقنعه^{۱۹}، شیخ طوسی در مبسوط^{۲۰}، سید

مرتضی در انتصار^{۲۱} و سید بن زهره در غنیه النزوع^{۲۲}.

بنابر نقل علامه حلی در مختلف الشیعه، علی بن بابویه نیز قائل به این نظر بوده

است.^{۲۳}

۱۹. مفید، المقنعه، ص ۳۰۳

۲۰. طوسی، المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۱، ص ۲۷۰

۲۱. شریف مرتضی، الانتصار فی انفرادات الإمامیه، ص ۱۸۴

۲۲. ابن زهره، غنیه النزوع الی علمی الأصول و الفروع، ص ۱۳۸

۲۳. حلی، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه، ج ۳، ص ۳۹۷



○ دسته دوم فقهاء از جمله نظر مشهور از متأخرین^{۲۴} و از متقدمین سید مرتضی در جمل^{۲۵} و ابن ادریس در السرائر^{۲۶} معتقدند «کذب علی الله و الرسول ﷺ» از مفطرات روزه به شمار نمی آید.

همانطور که گفته شد همه قائلین به قول دوم، حرمت دروغ بستن به هر شخصی اعم از خدا، پیامبر ﷺ و دیگران را پذیرفته‌اند و در اصل فساد کذب اختلاف و تردیدی وارد نکرده‌اند. همچنین لازم به ذکر است که همه کسانی که در بخش بعدی یعنی «کذب علی الأئمة و الانبیاء ﷺ» قائل به مفطرت دروغ بستن به اهل بیت ﷺ و همه پیامبران ﷺ هستند، قطعاً به مفطرت کذب علی الله و الرسول ﷺ نیز قائل‌اند. البته هستند فقهای که ادله بخش بعدی را قبول نکنند و مفطرت کذب علی الانبیاء ﷺ را محل تردید بدانند.^{۲۷} در نتیجه درباره مفطرت کذب علی الله و الرسول ﷺ دو نظر وجود دارد که اولی قائل به مفطرت و دیگری منکر آن است. منشاء این اختلاف نظر نیز ادله‌ای است که در این باب وارد شده است. در بخش بعد به بررسی آن ادله می‌پردازیم.

همچنین لازم به ذکر است که عنوان «الرسول» همان تعبیری است که در ادله و روایات این باب وارد شده است و به دلیل قرائن متعدد و استعمالات گوناگون، بی تردید تنها بر پیامبر اکرم ﷺ صادق است. اما بررسی فقهی بحث درباره دیگر انبیاء ﷺ و همچنین دیگر اهل بیت ﷺ در بخش بعد خواهد آمد.

۲-۱-۲. ادله

۲۴. سیدمحسن حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ج ۸، ص ۲۵۱

۲۵. شریف مرتضی، جمل العلم و العمل، ص ۹۰

۲۶. ابن ادریس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ص ۳۷۴

۲۷. رضا همدانی، مصباح الفقیه، ج ۱۴، ص ۳۸۱



ادله‌ای که درباره مفطریّت «کذب علی الله و الرسول ﷺ» در دست است و منشأ فتوای بیشتر متقدمین از فقهاء قرار گرفته، وجود اجماع در مسئله و همچنین ادله لفظیّه نقل شده در کتب روایی می‌باشد. از میان روایاتی که در باب «ما یمسک عنه الصائم» آورده شده است، باتوجه به ضرورت بررسی عبارات ادله و همچنین محدودیت این نوشتار، تنها می‌توان به دو روایت اشاره کرد:

○ «وَعَنْهُ عَنْ عُمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ كَذَبَ فِي رَمَضَانَ فَقَالَ قَدْ أَفْطَرَ وَ عَلَيْهِ قَضَاؤُهُ فَقُلْتُ مَا كَذَبْتَهُ فَقَالَ يَكْذِبُ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ.»^{۲۸}

○ «رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ لَا يَضُرُّ الصَّائِمَ مَا صَنَعَ إِذَا اجْتَنَبَ أَرْبَعَ خِصَالِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ وَ النَّسَاءِ وَ الْارْتِمَاسِ فِي الْمَاءِ.»^{۲۹}

از میان روایات ذکر شده، صحیحه محمد بن مسلم و برخی دیگر از روایات که در مقام بیان مفطرات روزه هستند، اشاره‌ای به «کذب» به عنوان یکی از مفطرات روزه ندارند. در روایت مذکور، امام صادق عليه السلام به مفطریّت کذب علی الله و الرسول عليه السلام اشاره‌ای نمی‌کنند. نتیجه آن‌که قائلین به قول دوم نیز حصر موجود در این روایت و روایات دیگر را دلیلی قرار می‌دهند تا کذب علی الله و الرسول عليه السلام را به عنوان مبطل روزه به رسمیت نشناسند. در مقابل، قائلین به قول اول استدلال می‌کنند که مفطریّت کذب علی الله و الرسول عليه السلام صرفاً به دلیل این‌که در برخی روایات، از آن حرفی به میان نیامده، قابل رد نیست. زیرا در این روایات دیگر از مفطرات هم آورده نشده است. در نتیجه می‌فهمیم حصری که در این روایات آمده است، حصر حقیقی نبوده بلکه حصر اضافی است و نمی‌توان به این دلیل که از کذب علی الله و الرسول عليه السلام اسمی به میان نیامده، منکر آن شد. زیرا با این حساب باید قائل به عدم

۲۸. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۸۹

۲۹. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۰۷



مفطرت دیگر مبطلاتی که در این روایات نیامده نیز باشیم. این در حالی که کسی قائل به انکار همه آن مفطرات نشده است.^{۳۰}

باید توجه داشت که روایات باب مفطرت کذب علی الله و الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یکی دو مورد نیست بلکه در کتب روایی همانند *وسائل الشیعه* روایات متعددی در یک باب مستقل آورده شده است. این نکته از آن جا مهم و تأثیرگذار است که قائلین به قول دوم، در ادامه ادله شان برای رد مفطرت کذب علی الله و الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، پس از ادعای حصر حقیقی که پاسخ داده شد، روایت دیگر این باب را به دلیل ضعف سند و همچنین تعارض مفاد آن با مطلبی که مورد اجماع است، نمی پذیرند. روایت مذکور مضافاً بر ضعف سندی، با توجه به این که علاوه بر افاده مفطرت کذب علی الله و الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، آن را موجب باطل شدن وضو نیز می داند، مورد اشکالات فراوان دلالی قرار گرفته است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در این روایت، کذب علی الله و الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را علاوه بر باطل کردن روزه، موجب بطلان وضوی مکلف را نیز می دانند.^{۳۱} این در حالی است که بنابر اجماع فقهای امامیه، دروغ بستن به خدا و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به صورت خاص و هر دروغی به صورت عام هیچگاه وضو را باطل نمی کند و درباره عدم مفسدیت کذب نسبت به وضو اجماع وجود دارد و می دانیم هیچگاه کذب به عنوان حدث اصغر یا اکبر شناخته نشده است.^{۳۲}

فقهای دسته اول پس از انکار حصر حقیقی در روایت مذکور، درباره روایت دوم نیز بعد از مباحث رجالی گسترده و پذیرفتن اعتبار سندی روایت، با قبول این که باطل شدن وضو از طریق کذب پذیرفتنی نیست، با قبول روایت آن را حمل بر مبالغه می -

۳۰. یوسف بحرانی، *الحقائق الناصرة فی أحكام العترة الطاهرة*، ج ۱۳، ص ۱۴۱

۳۱. حرّ عاملی، *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، ج ۱۰، ص ۳۴

۳۲. حلی، *مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه*، ج ۳، ص ۳۹۹

کنند.^{۳۳}

توضیح بیشتر آن که قائلین به قول دوم پس از آن که ضعف سندی روایت را برطرف کردند، نسبت به ضعف دلالتی آن یعنی باطل شدن وضو بر اثر «کذب علی الله و الرسول ﷺ» این طور پاسخ می دهند که در این روایت، امام علی (ع) در مقام بیان صحت یا بطلان وضو نبوده اند بلکه با حمل کلام بر مبالغه، می گویند امام در حال بیان شرط کمال وضو بوده اند نه شرط صحت. در نتیجه وضویی که همراه با کذب علی الله و الرسول ﷺ باشد با این که مطابق نظر همه فقهاء صحیح است ولی نقص داشته و به دور از کمال است. همچنین مرحوم بحرانی در این باره معتقدند اگر بخشی از روایت ضعف خبری دارد و نمی توان قسمتی از روایت که دلالت بر باطل شدن وضو می کند را بپذیریم، لازم نیست همه روایت را کنار بگذاریم بلکه می توان از باب «عام مخصوص» بخش دیگر روایت را پذیرفت.^{۳۴}

۲-۲. کذب علی الائمه و الأنبياء ﷺ

به دلیل وجود تعابیر مختلف و همچنین بررسی مفطریّت کذب علی الأنبياء ﷺ مناسب دیدیم تا این ادله و اقوال فقهی را در این بخش مورد بررسی قرار دهیم. لازم به ذکر است که الحاق حضرت زهرا (ع) به ائمه (ع) نیز در کتب فقهای امامیه مورد توجه قرار گرفته است.

۲-۲-۱. اقوال

پس از آن که عمده اقوال و ادله درباره مفطریّت کذب یعنی «کذب علی الله و الرسول ﷺ» مطرح شد، حال می خواهیم به کذب علی الائمه و الأنبياء ﷺ بپردازیم.

۳۳. مرتضی انصاری، کتاب الصوم، ص ۷۳

۳۴. یوسف بحرانی، الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۱۳، ص ۱۴۳



می‌توان ادعا کرد همه آنان که در قسمت قبلی بحث، مفطرت کذب علی الله و الرسول ﷺ را پذیرفته‌اند، در ادامه کذب علی الائمه ﷺ را نیز به دلیل پیوستگی پیامبر ﷺ با ائمه ﷺ و تصریح به عنوان «ائمه» در بسیاری از روایات، پذیرفته و به آن اشاره کرده‌اند. البته درباره مفطرت کذب علی الانبیاء ﷺ اختلاف نظرهایی به چشم می‌خورد که اگر بازم به کذب بر خدا بازگردد، در مفطرت آن شکی وجود ندارد. توضیح آن‌که شیخ انصاری در فرض بازگشت کذب علی الانبیاء ﷺ به دروغ بستن به خدای متعال، تردیدی در مسئله نمی‌بیند و مفطرت آن را قطعی می‌داند ولی در فرض عدم بازگشت به کذب بر خدا و فقدان تلازم میان آن‌ها، دو احتمال را مطرح کرده و قدر متیقن در مفطرت کذب علی الانبیاء ﷺ را اعم از آن‌که کذب نوشتاری، گفتاری یا از طریق اشاره باشد و همچنین اعم از آن‌که نسبت به فعل انبیاء ﷺ باشد یا قول یا تقریرشان، در اموری می‌داند که متعلق به دین و رسالت الهی آنان باشد.^{۳۵}

درباره الحاق حضرت زهرا ﷺ به ائمه ﷺ نیز با توجه به صدق عنوان «ائمه» بر ایشان، تصریحاتی در این باره در کتب فقهاء وجود دارد و به نظر می‌رسد مفطرت کذب بر حضرت زهرا ﷺ نیز خالی از اشکال باشد.^{۳۶}

۲-۲-۲. ادله

درباره ادله مفطرت کذب علی الائمه ﷺ به جز معدود روایاتی که در آن‌ها عنوان «کذب علی الله و الرسول ﷺ» آمده اما اشاره‌ای به «کذب علی الائمه ﷺ» نشده است، در باقی روایات این باب، بلافاصله پس از عنوان «الرسول ﷺ» به مفطرت کذب علی الائمه ﷺ نیز تصریح شده است:

۳۵. مرتضی انصاری، کتاب الصوم، ص ۷۳

۳۶. رضا همدانی، مصباح الفقیه، ج ۱۴، ص ۳۸۱



- «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْسَنٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْسَنٍ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: خَمْسَةٌ أَشْيَاءُ تُفْطَرُ الصَّائِمَ الْأَكْلُ وَالشُّرْبُ وَالْجَمَاعُ وَالرَّتْمَاسُ فِي الْمَاءِ وَالْكَذِبُ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْأُمَّةِ.»^{۳۷}
- «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ الْكَذِبَةَ لَتُفْطَرُ الصَّائِمَ قُلْتُ وَآيُنَا لَأَ يَكُونُ ذَلِكَ مِنْهُ قَالَ لَيْسَ حَيْثُ ذَهَبَتْ إِنَّمَا ذَلِكَ الْكَذِبُ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْأُمَّةِ.»^{۳۸}

نتیجه آن که در میان فقهای امامیه آنان که حکم به مفطریّت کذب علی الله و الرسول صلی الله علیه و آله داده‌اند، همگان به مفطریّت کذب علی الائمه علیهم السلام نیز حکم کرده‌اند.^{۳۹}

همانطور که درباره مفطریّت کذب بر حضرت زهرا علیها السلام گفته شد، باتوجه به قرائن متعدد و استعمالات فراوان می‌یابیم که مراد از «ائمه» اعم از حضرت زهرا علیها السلام است و همه اهل بیت علیهم السلام را در بر می‌گیرد.^{۴۰} شیخ انصاری اگرچه تصریح می‌کند نص صریحی در این باره نداریم، ولی مفطریّت کذب بر حضرت زهرا علیها السلام را بسیار قوی می‌داند.^{۴۱} البته باز هم در این جا برخی مفطریّت کذب بر غیر خدا را مشروط به اراده متکلم مبنی بر نسبت دادن امری به شارع مقدس می‌دانند.^{۴۲}

درباره الحاق انبیاء علیهم السلام به حکم مفطریّت روزه نیز برخی ادعای الغای خصوصیت

۳۷. ابن بابویه، الخصال، ج ۱، ص ۲۸۶

۳۸. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۴۰

۳۹. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۱۶، ص ۲۲۳

۴۰. رضا همدانی، مصباح الفقیه، ج ۱۴، ص ۳۸۱

۴۱. مرتضی انصاری، کتاب الصوم، ص ۷۳

۴۲. سیدمصطفی خمینی، کتاب الصوم، ص ۳۴۵



کرده‌اند و از آن‌جا که عرف خصوصیتی در منحصر دانستن این حکم درباره رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام نمی‌یابد، این حکم را به انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز تسری داده‌اند. البته این نظر از آن‌جا که اختلافی است، نمی‌تواند مدعا را ثابت کند.^{۴۳} همچنین برخی در فرض عدم رجوع به کذب بر خدا، به دلیل این‌که نص صریحی درباره شمول حکم درباره انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَام نداریم و نمی‌توان حکم مفسدیت را سرایت داد، منکر این الحاق شده‌اند.^{۴۴}

۳. بررسی فقهی وجوب کفاره ابطال روزه از طریق کذب

در این بخش کفاره کذب علی الله و الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و الائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام مورد بحث و بررسی فقهی قرار گرفته است. آنچه درباره این بخش لازم به ذکر است، این‌که همه اقوال و ادله‌ای که در این فراز از مقاله درباره وجوب کفاره ابطال روزه از طریق کذب مطرح می‌گردد، طبق همان ادله‌ای است که فقیه ابتدائاً در بخش دوم به آن دست یافت. به عبارت دیگر این بار بحث بر سر این است که آنچه در بخش قبل به عنوان مفطر روزه شناخته شد، آیا موجب کفاره نیز هست یا خیر. در نتیجه دلیل دیگری جز آنچه آورده شد، درباره وجوب کفاره ابطال روزه از طریق کذب وجود ندارد. جمع - بندی فقهی مان درباره الحاق حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام به ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام و همچنین دروغ بستن به انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَام در این باب نیز تابع بخش قبلی است.

۳-۱. اقوال

طبیعتاً درباره وجوب کفاره ابطال روزه از طریق کذب به فراخور اختلاف نظرهایی که در مفطرت کذب وجود دارد، تفاوت‌هایی نیز در آراء فقهاء دیده می‌-

۴۳. سیدمحسن حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ج ۸، ص ۲۵۵

۴۴. رضا همدانی، مصباح الفقیه، ج ۱۴، ص ۳۸۱



شود. در میان متقدمین، شیخ مفید در *مقنعه*^{۴۵}، شیخ طوسی در *خلاف*^{۴۶} و همچنین ابن زهره حلبی در *غنیة النزوع*^{۴۷} قائل به وجوب کفاره و قضاء برای کذب عمدی بر خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام هستند. در مقابل نیز آنان که در بخش دوم قائل به عدم مفطریّت کذب علی الله و الرسول صلی الله علیه و آله بودند، به تبع درباره وجوب کفاره ابطال روزه از طریق کذب، براءت جاری می کنند.^{۴۸}

در این میان ادله و استدلال‌های مختلفی از سوی فقهاء مطرح شده است که در قسمت ادله به آن‌ها خواهیم پرداخت. همانطور که قبلاً بدان اشاره شد، درباره وجوب کفاره، «عمدی بودن» شرط شده و قید «متعمداً» مورد تصریح فقهاء قرار گرفته است.^{۴۹}

۳-۲. ادله

درباره ادله فقهایی که وجوب کفاره ابطال روزه از طریق کذب را پذیرفته‌اند، باید به مبنای آنان در زمینه نسبت مفطریّت و وجوب کفاره توجه کرد. توضیح بیشتر آن که می توان منشاء اختلاف قائلین به مفطریّت کذب علی الله و الرسول صلی الله علیه و آله و الائمه علیهم السلام در بخش دوم را مبنای فقهی آنان درباره تلازم میان مبطل بودن کذب و وجوب کفاره ابطال روزه از طریق آن دانست. سوال اینجاست که اگر روزه از هر طریقی باطل شود، آیا لزوماً منجر به وجوب کفاره نیز می شود؟! به تعبیر دیگر باطل کردن روزه با هر مفطری، علاوه بر وجوب قضاء، موجب ثبوت کفاره نیز می شود یا خیر!؟

۴۵. شیخ مفید، *المقنعه*، ص ۳۴۴

۴۶. طوسی، *الخلاف*، ج ۲، ص ۲۲۱

۴۷. ابن زهره، *غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع*، ص ۱۳۸

۴۸. حلی، *مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة*، ج ۳، ص ۴۰۱

۴۹. سیدمصطفی خمینی، *کتاب الصوم*، ص ۳۴۵



همچنانکه گفته شد؛ شیخ مفید، شیخ طوسی و سید مرتضی به وجوب همزمان کفاره و قضاء برای کذب عمدی بر خدا، پیامبر ﷺ و الائمه علیهم السلام تصریح کرده‌اند. همچنین ابن ادریس در کتاب *السرائر*، بر نظر متقدمین پافشاری می‌کند^{۵۰} ولی شیخ انصاری در کتاب *الصوم*، بنابر این که ظاهر اطلاق اخبار، تلازمی میان مفطریت و وجوب کفاره را می‌رساند، به نوعی وجوب کفاره را برمی‌گزیند. حال آن‌که ایشان معتقدند اگر همانند شهید اول در *غایة المراد* مفطرهايي که ملازم با وجوب پرداخت کفاره هستند را تنها اکل و شرب بدانیم، کفاره واجب نمی‌شود.^{۵۱} این در حالی است که صاحب *جوهر* تصریح می‌کند آنچه از نصوص استفاده شده است، اصل وجوب کفاره را می‌رساند. حاصل آن‌که هر آن‌چه مفطریت‌اش ثابت شد، اگر همراه با عمد و اختیار باشد کفاره‌اش نیز ثابت می‌شود. در نتیجه اکل و شرب در مفطرات خصوصیت یا انحصاری ندارند.^{۵۲}

نتیجه گیری

آن‌چه در این مقاله ضمن سه بخش ارائه شد؛ ابتدا بررسی ماهوی کذب در ابواب مختلف فقهی بود. به تعبیر دیگر بررسی چیستی کذب و انواعش و این‌که مقصود ما از کذب فقهی، کدام یک از انواع آن است، در نخستین بخش مطرح شد. نتیجه آن‌که کذب مورد بحث در باب «ما یمسک عنه الصائم» تنها و تنها کذب مخبری است نه کذب خبری. در ادامه با تعریف هر دوی آن‌ها، درمی‌یابیم کذب خبری «عدم مطابقت خبر با واقع» و کذب مخبری «عدم مطابقت معنای اراده شده با آنچه دانسته شده است» می‌باشد.

۵۰. ابن ادریس، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، ص ۳۷۴

۵۱. مرتضی انصاری، *کتاب الصوم*، ص ۷۳

۵۲. محمدحسن نجفی، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ج ۱۶، ص ۲۲۶



در بخش دوم نیز بررسی فقهی مفطریّت کذب بر خدا، پیامبران علیهم السلام و اهل-بیت علیهم السلام ارائه شد. نتیجه آن که در این باره دو نظر وجود دارد که در مجموع باتوجه به ادله‌ای که مطرح شد، بعد از بررسی سندی روایات مطرح شده، به نظر می‌رسد می‌توان کذب مخبری درباره خداوند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام را به عنوان یکی از مفطرات به شمار آورد. علاوه بر این درباره مفطریّت کذب بر همه پیامبران علیهم السلام هم اقوال فقهی‌های متقدم و متأخر مطرح شد که در نهایت علاوه بر این که در کذب علی الانبیاء علیهم السلام نیز حکم به احتیاط داده‌اند، به این نکته تصریح کرده‌اند که اگر کذب بر انبیاء علیهم السلام به دروغ بستن به خدای متعال بازگردد و باتوجه به این که معمولاً همین طور هم به نظر می‌رسد، کذب علی الانبیاء نیز جزء مفطرات به حساب می‌آید.

در بخش سوم درباره وجوب کفاره ابطال روزه از طریق کذب، به صورت مختصر اقوال و ادله فقهی‌ها مطرح شد. به طور خلاصه با توجه به این که دلیلی لفظی درباره وجوب کفاره در بحث کذب علی الله و الرسول صلی الله علیه و آله و الائمه علیهم السلام نداریم، اختلاف نظرهایی که از سوی فقهی‌ها در این مسئله بیان شده است، به مبنای فقهی آنان درباره نسبت سنجی و تلازم میان مفطریّت و وجوب کفاره بازمی‌گردد. به عبارت دیگر درباره این که آیا هر مفطری موجب کفاره هم می‌شود یا این تلازم تنها درباره اکل و شرب - و همچنین جماع - جاری است، اتفاق نظر وجود ندارد. در مجموع به نظر می‌رسد ثبوت هر مفطری لزوماً به معنای وجوب کفاره درباره آن نیست چرا که درباره مفطرات دیگر نیز به صرف ثبوت مفطریّت، حکم به وجوب کفاره صادر نشده است. البته باتوجه به حرمت قطعی کذب فقهی مورد بحث یعنی کذب مخبری، این احتمال تقویت می‌شود.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن ادريس، محمد بن منصور، *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۶۲.
۴. ابن زهره، حمزة بن علی، *غنية النزوع إلى علمی الأصول والفروع*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۵. ابن سینا، *المنطق المشرقیین*، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
۶. ارسطو، *متافیزیک*، ترجمه شرف الدین خراسانی، تهران، انتشارات گفتار، ۱۳۶۲.
۷. افلاطون، *دوره آثار افلاطون*، ترجمه محمدحسن لطفی، ج ۳، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۷.
۸. انصاری، مرتضی، *کتاب الصوم*، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۹. بحرانی، یوسف بن احمد، *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۱۰. تفتازانی، سعدالدین، *مختصر المعانی*، قم، انتشارات مصطفوی، بی تا.
۱۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۱۲. حسین زاده، محمد، *مؤلفه ها و ساختارهای معرفت بشری*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۱۳. حکیم، سید محسن، *مستمک العروة الوثقی*، قم، مؤسسه دارالتفسیر، چاپ اول،

۱۴۱۶ق.

۱۴. حلی، حسن بن یوسف اسدی، *مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۵. خمینی، سید مصطفی، *کتاب الصوم*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۱۶. رادمرد، عبدالله، *جمله‌های خبری و بررسی صدق و کذب آن در زبان و ادبیات*، نشریه علمی-پژوهشی گوهر گویا، شماره ۴، سال ۱۳۸۹.
۱۷. رجایی، محمدخلیل، *معالم البلاغه*، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۹.
۱۸. سبحانی، جعفر، *الرسائل الأربع*، به تقریر حیدری، محسن؛ خلیل عاملی، سید طعان؛ کلانتری، علی اکبر، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۱۹. شریف مرتضی، علی بن حسین، *الانتصار فی انفرادات الإمامیة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۲۰. همان، *جمل العلم والعمل*، نجف اشرف، مطبعة الآداب، چاپ اول، ۱۳۸۷ق.
۲۱. شفق، اسماعیل، *سنجش صدق و کذب خبر در گزاره‌های ادبی*، پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، شماره ۱، بهار و تابستان، سال ۱۳۹۳.
۲۲. صدر، محمد باقر، *دروس فی علم الأصول*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۸ق.
۲۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، *الخلاف*، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الإمامیة*، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.



۲۶. طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الأحكام*، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۷. الفاخوری، حنا، *تاریخ فلسفه در جهان اسلام*، تهران، سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ج ۲، ۱۳۸۵.
۲۸. فارابی، ابونصر، *المنطقیات للفارابی*، تحقیق محمدتقی دانش پژوه و سید محمد مرعشی نجفی، ج ۱، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ق.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۰. مفید، محمد بن نعمان، *المقنعة*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۳۱. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، *القوانین المحکمة فی الأصول*، قم، احیاء الکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۳۰ق.
۳۲. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
۳۳. همدانی، رضا، *مصباح الفقیه*، قم، مؤسسه الجعفریة لإحیاء التراث و مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.